

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۱/۱۸

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی

سال هفتم، شماره ۲۸، بهار ۱۳۹۸

چالش‌های جامعه‌شناختی فرهنگ مهدویت فراروی آینده نظام تمدن اسلامی

علی یزدانی احمدآبادی^۱

چکیده

مهدویت، به عنوان عقیده و آرمان بسیاری از مسلمانان، قرن‌ها است که توسط بزرگان و عالمان، تبلیغ و هدایت شده است. رویکرد جدی این اندیشه، زمینه‌سازی جهت تحقق جامعه عبودیت محور به رهبری انسانی معصوم است که مدیریت آینده جهان و انسان را با توجه به احاطه نسبت به جهان و هستی در دست گیرد. طولانی شدن غیبت و تنوع در برداشت از آن، محل چالش‌ها، آراء و نظرات گوناگون و گاه متعارض با یکدیگر شده و با گذشت زمانی نزدیک به دوازده قرن، در سطوح مختلف جامعه بر ابهام بیشتر این آموزه افزوده شود. این گستره زمانی و فهم متنوع موضوعی، نه تنها باعث درک متفاوتی نسبت به این آموزه را پدید آورده، بلکه موجب تنش در لایه‌های مختلف فرهنگی جامعه اسلامی - که مدعی جهانی بودن آموزه‌های اسلامی است - نیز شده است. این مقاله با نگاه کل نگر و روش تحلیلی به کمک استقراء و استناد به داده‌های فرهنگی - اجتماعی تلاش دارد تا با توجه به بعد اجتماعی فرهنگ به این سوال پاسخ دهد که چه چالش‌هایی جهت تحقق فرهنگ مهدوی در سطوح مختلف اجتماعی وجود دارد. نبود

۱. دکتری تاریخ و تمدن اسلامی (yazdanimail@yahoo.com).

مرامنامه، ضعف در ظرفیت‌سنجی، تجمیع نشدن توانمندی‌ها، ضعف در کارآمدی و بحران در هم‌گرایی و هم‌افزایی اجتماعی مهم‌ترین عوامل رکود و افول در حوزه فرهنگ مهدویت هستند که زمینه را برای ناامیدی اجتماعی در نجات بخشی این آموزه فراهم کرده‌اند.

واژگان کلیدی

فرهنگ، جامعه، مهدویت، چالش اعتقادی، چالش فرهنگی.

مقدمه

جامعه، میراث بر فرهنگ گذشتگان و انتقال‌دهنده آن به نسل پس از خود است. هسته‌های سنتی فرهنگ، مانند مذهب، هویت تاریخی، شیوه ارتباط اجتماعی و جهان‌بینی در تاریخ آنها ریشه دارد و طرح مباحثی فرا قومی که با نگاه کلان و جهانی همراه باشد به طور حتم هویت اجتماعی جوامع بسیاری را تحت تأثیر قرار می‌دهد و مرزهای زمانی، مکانی و روابط افراد را توسعه می‌دهد. این تنها عامل و نیرویی نیست که فرهنگ را تحت تأثیر و یا تغییر قرار می‌دهد بلکه جنبش‌های اجتماعی هم برای تغییرات فرهنگی و تأثیر بر محیط‌های اجتماعی به پاخواسته‌اند. جنبش‌های فعالی چون جنبش برابری حقوق زنان با مردان یا جنبش‌های محیط زیستی، می‌کوشند به تدریج به فرهنگ‌های اجتماعی شکل دهند. فعالین این جنبش‌ها تلاش کرده‌اند تا در ابتدا حیطه آموزش و پژوهش و سپس در سایر ابعاد اجتماعی همانند بازار کار، توجه به آن آموزه‌ها را به وجود آورده و در ادامه آن را به فرهنگی اجتماعی محلی یا جهانی تبدیل کنند.

از طرف دیگر هر توسعه‌ای مستلزم تغییرات است و فرآیند توسعه بدون تغییرات عمیق در ساختارهای فرهنگی و اجتماعی، محقق نخواهد شد. بعد فرهنگی عامل اساسی توسعه حیات فرهنگی است و جهانی بودن یک اندیشه باید بتواند به مرور به یکسان‌سازی فرهنگ‌ها در آن حوزه یا شناور شدن آن فرهنگ بی‌انجامد. به این معنی که در پروسه جهانی شدن فرهنگ دیگر آن گونه که فرهنگ‌شناسان کلاسیک آن را منحصراً در جهان‌بینی و مجموعه‌ای از ارزش‌ها و خاطرات، صرف در یک حوزه مشخص جغرافیایی می‌دانستند، نخواهد ماند و مفهومی گسترده و فرامرزی خواهد یافت که منجر به گسترش ارتباطات و اطلاعات میان جوامع مختلف و رشد آشنایی و آگاهی و تشدید چالش‌های فرهنگی به طور اجتناب ناپذیری رخ خواهد داد. (هینس جف: ۱۸۹۱، ۱۱)

مهدویت که مدعی حضور این آموزه در ادیان ابراهیمی است، از این رویه مستثنی نیست و با چالش‌های فراوانی در زمینه جهانی‌شدن و مواجهه با جریانات اجتماعی روبه‌رو است. جدای از این و باتوجه به قدمت تاریخی و مذهبی این آموزه سوال مهم این است که چرا مهدویت نتوانسته به تولید فرهنگی فراگیر و جهانی دست پیدا نماید و چالش‌ها و موانع این مهم، چه بوده و هستند. برای دستیابی به پاسخ این پرسش، باید به فهم دقیق و درست در تفاوت میان چالش‌های اعتقادی با چالش‌های فرهنگی توجه کرد و از سوی دیگر به موانع فکری، اجتماعی تحقق فرهنگ مهدوی در طول تاریخ و زمینه‌های بروز این چالش‌ها و راهکارهای برون رفت از آن پرداخت.

مفاهیم

ظاهرش منکر که باطن هیچ نیست باطنش گوید که بنمایم بیست
ظاهرش با باطنش در چالش‌اند لاجرم زین صبر نصرت می‌کشند
(مولوی، مثنوی معنوی، دفتر چهارم، بخش ۴۰)

چالش: ^۱ واژه فارسی و ترکی، گرفته شده از لفظ چال که به معنی رفتار، کشمکش و زد و خورد می‌باشد. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۸۰۲۰) این واژه در فرهنگ اصطلاحات علمی مطرح نشده است؛ گرچه واژه‌هایی هم‌چون: بحران، مسئله فرهنگی، مساله اجتماعی، بی‌سازمانی اجتماعی و نابسامانی اجتماعی را تعریف کرده‌اند، اما در این بین از واژه «چالش» و تعریف اصطلاحی آن خبری نیست. عدم طرح و تعریف این اصطلاح، از تازگی و تازه‌بودن کاربرد این واژه در مباحث اجتماعی حکایت دارد. (ذوعلم، ۱۳۸۴: ۳۵) مرور نوشته‌ها و مقالات نشان می‌دهد که تا نیم دهه ۱۳۷۰ این واژه چندان کاربردی نداشته و از آن زمان به تدریج مورد استفاده قرار گرفته است. با توجه به فهم کلی واژه چالش در حوزه فرهنگی و معادل آن در انگلیسی، می‌توان در اصطلاح چالش را به معنی: «شرایط و وضعیت دانست که اندیشه، نیرو و امکانات فرد یا جامعه را درگیر کرده و مسیر و آینده فرد یا جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد». این تأثیر می‌تواند جنبه مثبت جهت اصلاح فرهنگ اجتماعی و یا جنبه منفی به دلیل ناهمگون بودن فرهنگ وارداتی داشته باشد.

فرهنگ: ^۱ فرهنگ واژه‌ای پارسی است و ترکیبی از دو جزء «فرا» و «هنگ» ^۲ به معنای «بیرون کشیدن و یا بالا کشیدن استعدادها و لیاقت‌های ذاتی نهفته در نهاد خرد و جامعه» است. (داریوش آشوری، ۱۳۸۰: ۶۵) جامعه و فرهنگ به یک امر مشترک اطلاق نمی‌شوند. جامعه گروهی از افراد است که رسوم، سنن، طرز تلقی‌های مشترک و احساس وحدت؛ ویژگی کنش متقابل اعضای آن می‌باشد و فرهنگ سیمایی است که انسجام اجزاء ترکیبی یک جامعه را حفظ می‌کند. فرهنگ مجموعه‌ای از مفاهیم و بیان نمادین در قلمرو ایده‌ها، آراء، هنر و تجربه افراد در بوته مناسبات اجتماعی است. (جهانگیر معینی، ۱۳۷۴: ۲-۳) این مفاهیم مشترک و تخیلات مشترک رفتار فرهنگی انسان‌ها را می‌سازند.

در سال‌های دهه ۱۹۷۰ به بعد مجموعه‌ای از تحولات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در جهان رخ داد که این تحولات بر تغییر نگرش نسبت به مسئله اجتماعی تأثیرگذار بود. به این معنا که در دنیایی که اکنون به سر می‌بریم در نتیجه توسعه رسانه‌ها، گسترش مصرف، توسعه ارتباطات شبکه‌ای و فرایندهای گوناگون جهانی شدن، روز به روز نقش، جایگاه و کارکردهای فرهنگ و مسائل فرهنگی ^۳ بیشتر می‌شود. با توجه به این واقعیت که فرایند «فرهنگی شدن» در حال جذب و ادغام سیاست، جامعه و اقتصاد در خود است، ما امروز از اقتصاد فرهنگی، صنایع فرهنگی، فرهنگی شدن شهر و چرخش فرهنگی در عرصه‌های مختلف زندگی سخن می‌گوییم. زمانی گفته می‌شد بگو چه می‌خوری تا بگویم کیستی. امروزه باید به جای این گفت: بگو چه می‌بینی تا بگویم کیستی. به عبارت دقیق‌تر این که ما چه موسیقی گوش می‌دهیم، چه فیلمی تماشا می‌کنیم، بر روی لباس‌هایمان چه بپوشیم (نمانام) یا مارکی نصب شده است؛ افق انتظارات یا ظرفیت آرزومندی ما چگونه است؛ به مراتب بیش از میزان درآمدمان و بیش از عوامل زیست‌محیطی در شکل‌گیری عواطف و احساسات، عقاید و باورها و نهایتاً رفتارهای ما تأثیرگذارند. ^۴ از این رو «سوروکین» فیلسوف تمدن‌پژوه، تمدن ^۵ را پدیده‌ای در زندگی اجتماعی بشر می‌داند که در دوران‌های متفاوت، شکل‌های متفاوتی پیدا می‌کند. از

1. Culture

۲. «فرا» پیشوندی است به معنای بالا و بیرون و «هنگ» نیز از ریشه اوستایی «تنگ» به معنای کشیدن گرفته شده است.

3. Cultural Issues

4. <http://www.farhangshenasi.ir/persian/node/۱۰۱۶>

5. civilization

نظر او تمدن به لحاظ تاریخی دارای سه ماهیت مادی، معنوی و جامع در حال جریان است و هر آن چه را که فرهنگ است، دربر می‌گیرد. (رسول نوروزی فیروز، ۱۳۹۴: ۱۰۶-۱۲۶)

«فوکوتساوا یوکیچی» تمدن پژوه برجسته در کتاب *نظریه تمدن*، تمدن را دارای دو سطح می‌داند: اول سطح مادی و دوم سطح معنوی که زیربنای تحقق تمدن است. وی سطح دوم را موتور محرك تمدن دانسته که به شکل‌های مادی تمدن صورت می‌دهد. از این رو، تمدن را پالایش معرفت و پرورش فضیلت می‌داند به نحوی که زندگی بشر را به مرتبه بالاتر برساند. (یوکیچی، ۱۳۷۹: ۱۱۹-۱۲۰) به طور کل می‌توان گفت که هر تمدنی برای تحقق نیازمند ایده هدایت‌گراست که به مثابه نقطه کانونی و قلب تمدن است. در بسیاری از نظریه‌ها، امور غیرمادی سازنده اصلی این پدیده هستند.

چالش اعتقادی و چالش فرهنگی

از نظر دلالت واژه چالش در دو اصطلاح، این واژه به یک معنی است و مراد از آن وضعیتی است که اندیشه، نیرو و امکانات فرد یا جامعه را درگیر کرده و مسیر آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این جهت هر دو اصطلاح مشترک هستند. اما تفاوت یا تشابه را باید در ماهیت دو واژه فرهنگ و اعتقادات جست‌وجو کرد و بدون توجه به ظرفی که این دو معنا در آن ریخته شده و به آنها شکل داده‌اند نمی‌توان به چپستی و وجوه و زوایای طرح آنها پی‌برد. این که به اشتباه این دو واژه بر یکدیگر عطف شوند؛ نباید به معنی مترادف و هم معنی بودن آنها دانسته شده و یا تفاوت‌های جزئی برای آنها قائل شد. مهم‌ترین وجوه شناخت‌شناسی فرهنگ و اعتقادات که موجب شناخت بهتر و توجه به تمایز آن نسبت به یکدیگر می‌شود عبارتند از:

جامعه ظرف ظهور و تحقق فرهنگ است.

فرهنگ عاملی پیوستگی جامعه دارند. (معینی، ۱۳۷۴: ۶)

فرهنگ وجه مشخصه یک جامعه است.

تحولات فرهنگی روزمره نیست اما ضرورت دارد. یعنی این تحولات در بازه زمانی طولانی حتماً رخ خواهند داد.

فرهنگ تغییر پذیر است. با وجود تغییر کامل فرهنگی، جوامع دوام می‌آورند. زیرا آن چه تغییر می‌پذیرد نه کلیت جامعه بلکه معیارها و عادات جامعه می‌باشند. گرایش‌های جدید در جامعه رشد می‌کنند و گرایش‌های قبلی کم‌رنگ و حتی محو می‌شوند.

فرهنگ تحت تأثیر کلیت جامعه و جهان بینی جمعی است. خصوصیت اصلی فرهنگ سهیم شدن در ارزش‌های مشترک است. (همو: ۱-۱۴) تنش در فرهنگ موجب برهم خوردن مناسبات اجتماعی و شکاف و یا فروپاشی اجتماعی است.

فرهنگ پدیده‌ای کاملاً دنیوی است. مهم‌ترین وجوه شناخت‌شناسی اعتقادات که به معنی ایمان، باور (دهخدا: ۱۳۷۷، ۲۹۱۷) عبارتند از:

ظرف ظهور و تحقق اعتقادات فرد و ذهن او است و با آن به سنجش داده‌ها می‌پردازد. (ملاصدرا، ۱۳۶۳: ۸ و ۱۳۷)

در اعتقادات لزومی برای توجه به شواهد تجربی وجود ندارد. اعتقادات یکی از وجوه شناخت و تمایز بین افراد است و نه از وجوه شناخت جوامع. تغییر و تحول در اعتقادات در بازه زمانی کوتاه مدت و حداکثر در بازه زمانی حیات یک فرد رخ می‌دهد.

اعتقادات تحت تأثیر نگاه و نگرش فرد نسبت به جهان پیرامون و بیشتر تحت تأثیر دین شکل می‌گیرد. (سجادی، بی تا: ۳۱)

اعتقادات هم جنبه دنیوی و هم آخرتی دارند. اعتقادات و باورها از سوی فرد درست، راست و اصل فرض می‌شوند و براساس آنها به ارزیابی دست می‌زند.

تنش در اعتقادات سبب برهم‌ریختگی فرد در افکار شخصی و نوع نگاه او است و تأثیری در مناسبات اجتماعی نخواهد داشت.

باور غیر از رفتار فرد است. ممکن است شخصی به دینی اعتقاد و باور داشته باشد اما آئین مذهبی را به جا نیاورد.^۱

۱. برای آشنایی بیشتر با کارکرد ذهن در حوزه اعتقادات نگاه کنید: شریعتی، فهمیه، ذهن و تأثیرات بی‌واسطه آن از نظر ملاصدرا، پاییز و زمستان ۱۳۹۲ ش.

ابعاد دینداری	مؤلفه هر بعد
اعتقادی	باورهای پایه ای مسلم
	باورهای غایتگرا
	باورهای زمینه‌ساز
مناسکی	عبادت
	نماز
	روزه
	شرکت در آیین‌های مقدس خاص
تجربی (عواطف دینی)	توجه
	شناخت
	اعتماد و ایمان
	ترس
پیامدی	پیامدهای باور، عمل، تجربه و دانش دینی در زندگی روزمره

مدل سنجش دینداری (سراج‌زاده، ۱۳۸۶: ۴۴)

با این همه برای هر دو آنها می‌توان وجوه مشترکی را یافت که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

هر دو مربوط به انسان هستند و در حیوانات یافت نمی‌شوند.

فرهنگ و اعتقادات اموری واقعی و شناخت پذیر هستند.

فرهنگ و اعتقادات جنبه ژنتیکی و غریزی ندارند و اموری کاملاً ساخته شده هستند.

فرهنگ و اعتقادات به ارث برده می‌شود یا دگرگون می‌گردند؛ آنرا افزایش می‌دهند یا انتقال

می‌دهند.^۱

زمینه‌های اجتماعی بروز چالش‌های فرهنگی

در بروز چالش‌های پیش روی تحقق فرهنگ مهدوی ضروری است تا زمینه‌های بروز این چالش‌ها به اجمال شناسایی و مورد توجه قرار گیرد تا بتوان متناسب با آنها، راهی جهت برون رفت از مشکلات این عرصه و چگونگی تحقق فرهنگ مهدویت دست یافت. از این رو ضروری است تا به جامعه به عنوان ظرف تحقق فرهنگ‌های اجتماعی و تفاوت‌های فرهنگی هر جامعه توجه کرد.

خرده فرهنگ

اگر یک جامعه کوچک باشد به همان نسبت فرهنگی که در آن شکل می‌گیرد خرد و کوچک

۱. برای شناخت تمایزهای فرهنگی نگاه کنید: معینی، جهانگیر، نظریه و فرهنگ، مرکز مطالعات و تحقیقات بین‌الملل، تهران، ۱۳۷۴ ش: ۲-۵.

است و حداکثر نتیجه آن تحت تأثیر قرار گرفتن محیط و جغرافیایی محدود است که با گذشت زمان و ظهور کلان فرهنگ‌ها و کلان تمدن‌ها، در آنها ادغام و محو می‌شوند. (یزدانی، ۱۳۹۶: ۲۹-۳۱) در طول تاریخ نمونه‌های بسیاری به این شکل به وجود آمده و تأثیرپذیر گشته‌اند. خرده فرهنگ‌هایی هم‌چون سیلک، شهر سوخته، جیرفت و... با آن‌که توانستند خرده تمدن‌هایی با همین نام را بسازند اما با گذشت زمان و ظهور کلان تمدن‌هایی هم‌چون هخامنشیان و ساسانیان، در آنها محو شدند. از این رو لازم است به این مسئله توجه شود که اگر فرهنگ مهدویت با نگاهی محدود همراه شود توانایی خود را در مواجهه با چالش‌های فرهنگی دوران جدید از دست خواهد داد و به مرور زمان با بی‌اعتنایی اجتماعی و روبه‌رو گشته و در تاریخ محو خواهد شد. آن‌گونه که باید آن را تنها در کتابخانه‌ها جست‌وجو کرد.

کلان فرهنگ

علاوه بر این در طول تاریخ فرهنگ‌ها کلان اجتماعی نیز چالش‌های جدی‌ای در برابر آموزه‌های دینی بوجود آورده‌اند که بدون شناخت و توجه به پیشینه فکری و فرهنگی آنها نمی‌توان با چالش‌های تحقق فرهنگ دینی مواجه شد. هر جامعه همانند درختی است که در گذر تاریخ، فرهنگی به آن پیوند خورده و جهان بینی و مرزهای بینشی آن را تحت تأثیر قرار داده است.

به عنوان نمونه و با توجه به جایگاه پررنگ و با اهمیت آموزه مهدویت در اسلام، به وضعیت فرهنگ جامعه عرب که ظرف ظهور اسلام بوده است، باید توجه کرد. جامعه عرب تا پیش از ظهور اسلام دارای فرهنگ، سنت‌ها، ارزش‌ها، آداب و رسوم خاص خود بود. فرهنگ، سنت‌ها و آداب و رسوم که متناسب با شرایط و مقتضیات زیست جغرافیایی، ساختار اجتماعی و به طور کلی نوع نگاه و سبک زندگی آنها پدید آمده بود. اسلام به مثابه یک دین، نخست در ظرف فرهنگی این قوم یعنی قوم عرب ظهور پیدا کرد و سپس در ظرف فرهنگی اقوام و ملل مغلوب هم‌چون قوم ایرانی گسترش یافت؛ بن‌مایه‌ها و ساختارها و نیز بسیاری مفاهیم و ارزش‌های فرهنگی هر دو جامعه را تغییر داد و متحول ساخت و آنها را به سوی فرهنگی جدید سوق داد.

عرب ساکن منطقه حجاز تا پیش از ظهور اسلام در عقب‌ماندگی فرهنگی شدیدی به سر می‌برد. در اثبات این عقب‌ماندگی فکری و فرهنگی وصف قرآن به «جاهلیت» از تاریخ عرب قبل از

اسلام کفایت می‌کند. آنان گرفتار ظنون جاهلی (پندارگرایی‌های فکری)، حمیت و تعصب قبیله‌ای، بت‌پرستی، پرستش جنیان و فرشتگاه، معتقد به خرافات (طیره، تفأل، کهانت، سحر و...)، بی‌ارزش پنداشتن علم‌اندوزی، خواندن و نوشتن پناه بردن به زبان زور شمشیر و نیزه، غارت‌گری و چپاول، جنگ و خون‌ریزی و انتقام، مفاخره و منافره و افتخار به حسب و نسب شده بودند و گاه نیز به شعر و خطابه پناه می‌بردند.^۱ امام علی (علیه السلام) در توصیف فرهنگی عرب قبل از اسلام می‌فرماید:

... پس از آن که گمراهی و حشمتناکی همه جا را فرا گرفته بود، و جاهل و نادانی بر اندیشه‌ها غالب و قساوت و سنگدلی بر دل‌ها مسلط بود، مردم حرام را حلال می‌شمردند، حکیمان و دانشمندان را تحقیر می‌کردند، و جدای از دین الهی زندگی کرده و در حال کفر و بی‌دینی جان می‌سپردند... (نهج البلاغه، ۱۳۸۵: ۲۷۷)

دلیل آن را باید در زندگی سخت و خشن در جغرافیایی شن‌زار حجاز و یاس و ناامیدی اجتماعی آنان نسبت به آینده جست‌وجو کرد.

اسلام نخستین بار در میان این جامعه و فرهنگ آن، در قالب آیات قرآن و سنت رسول (صلی الله علیه و آله) ظهور پیدا کرد. با توجه به پیشینه فکری و فرهنگی آن جامعه و به دلیل آن‌که فرهنگ‌سازی امری زمان‌بر است؛ پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) نمی‌توانست در دوره نبوت خود به تعمیق و تثبیت فرهنگ نوپدید اسلامی بپردازد. از این رو آن حضرت در حدیث ثقلین، مقارنت کتاب و اهل بیت (علیهم السلام) را به عنوان تنها راهبرد، تداوم و ماندگاری فکر و فرهنگ اسلامی معرفی کرد. از اهل بیت (علیهم السلام)، تنها علی (علیه السلام) در مدت چهار سال و نه ماه و امام حسن (علیه السلام) در مدت شش ماه مدیریت امور مختلف جامعه اسلامی را برعهده داشتند و دیگر امامان معصوم (علیهم السلام) از این امر محروم ماندند.

حاکمان اسلامی از جمله امویان و عباسیان با توجه به نوع نگاه و نیازشان از موضع قدرت و سیاست به آموزه‌های دینی و فرهنگ اسلامی جهت مواجهه‌های اجتماعی توجه می‌کردند. معاویه در همان ابتدا منظومه فکری امویان را بر بی‌نیازی از فرهنگ دینی و توجه به فرهنگ عربی و تعصبات و تفاخرهای قبیله‌ای عصر جاهلیت ترسیم کرد و پس از غلبه بر امام حسن (علیه السلام) در کوفه گفت:

۱. جهت کسب اطلاعات تفصیلی به پایان‌نامه ارشد خانم فرزانه کونانی با عنوان مواجهه قرآن کریم با فرهنگ عرب جاهلی عصر نزول مراجعه شود؛ رسول جعفریان، سیره رسول خدا، قم، نشر دلیل ما، ۱۳۸۳ش: ۱۳۴.

ای مردم کوفه من برای نماز و زکات و حج، با شما جنگیدم، که می‌دانم خودتان نماز می‌خوانید و زکات می‌دهید و به حج می‌روید ولی با شما جنگیدم تا بر شما حکومت کنم (ابن کثیر، ۱۴۰۷ق: ج ۸، ۱۳۱).

و در وصیتش نوشت:

هذا ما عهده معاوية بن ابی سفیان امیرالمؤمنین الی ابنه یزید... وان یحفظ هذا الحی من قریش خاصة... وان یقدم بنی امیه و آل عبد شمس علی بنی هاشم وان یقدم آل المظلوم المقتول امیرالمؤمنین عثمان بن عفان علی آل ابی تراب و ذریته (ابن اعثم کوفی، ۱۴۰۶ق: ج ۴، ۳۵۳).^۱

با توجه به انحصار قدرت سیاسی در دست امویان و عباسیان، اهل بیت علیهم السلام، علویان و شیعیان تلاش کردند تا از منظر اصول و ارزش‌های اخلاقی و اسلامی به تبیین و ترویج فرهنگ اسلامی پرداخته و رهبری جریان فکری و فرهنگی مستقل از سیاست فرهنگی امویان و عباسیان را دست گیرند.

این دو رویه به مرور زمان موجب شد تا سایر اقوام و خصوصاً ایرانیان به سیره اهل بیت جذب شده و جامعه عرب مسلمان جایگاه خود را بعنوان امت منتخب الهی برای تحقق و ظهور فرهنگ دینی از دست دهد. تا آن‌جا که روایات در تفسیر برخی آیات قرآن آینده تجدید فرهنگ اسلامی را بر عهده قومی غیر عرب دانسته‌اند. این سنت تاریخی - الهی است که اگر قومی نقض پیمان کنند سنت استبدال بر آنها جاری می‌شود. به عنوان نمونه: آیه ۸۹ سوره انعام است که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَّيْسُوا بِهَا بِكَافِرِينَ﴾ (انعام: ۸۹)؛
و اگر نسبت به آن کفر ورزند، (آیین حق زمین نمی‌ماند زیرا) کسان دیگری را نگاهبان آن می‌سازیم که نسبت به آن، کافر نیستند.

زمخشری در کشف و تفاسیر دیگر آورده‌اند که منظور از آن قوم دیگر، ایرانیان هستند. (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۲، ۴۳؛ قرشی، ۱۳۷۱ق: ج ۴، ۲۹۹) این سنت‌های اجتماعی که در قالب آیات بیان شده به ما گوشزد می‌کند که جهت تحقق فرهنگ مطلوب، صرف مسلمان بودن و یا پیشینه تاریخی یک قوم، نمی‌تواند ارزشی برای مسیر دین باشد و چه بسا خود این اقوام به

۱. أحمد، ابن اعثم کوفی، الفتوح، تحقیق علی شیری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۶ق: ج ۴، ۳۵۳.

عنوان مانع و چالش در تحقق فرهنگ نقش ایفا نموده و به نوعی موجب اصطکاک فرهنگی هم از جهت شناخت و هم تداوم مسیر جامعه اسلامی را رقم زنند.

جهان فرهنگ

یکی از زمینه‌های مهم در بروز چالش فرهنگ‌های دینی و مهدوی پدیده توسعه فرهنگی و جهانی‌شدن است. این بخش از این حیث اهمیت بسیار زیادی دارد که اساس اعتقاد مهدویت در بسیاری از ادیان، بر جهانی بودن حکومت مهدی (و نه حکومتی محدود و منطقه‌ای) و جهانی‌سازی فرهنگ مهدوی (نه فرهنگ‌سازی قومی و ملی) مبتنی بر عدالت جهانی استوار است و در پرتو آن تلاش می‌کند تا آموزه‌های دینی را در سطح جهانی پیاده‌سازی نماید. بنابراین معتقدین به مهدویت در مقابل این چالش قرار دارند که تا پیش از ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه در جهان عصر غیبت چه وظیفه‌ای بر عهده دارند؟ سکوت و گوشه‌نشینی؟ و یا زمینه‌سازی فکری - فرهنگی برای ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه زمینه‌سازی را با دعوت به دین و فرهنگ آن تحقق بخشند و یا آن‌گونه که برخی جریان‌ات و به اشتباه، ترویج و اشاعه فساد را زمینه‌ساز ظهور تلقی کرده‌اند و هرگونه اصلاحی تا پیش از ظهور را مذموم دانسته‌اند؟^۱ تمام این سوالات و نبودن وحدت فکری، در فضای امروز توسعه فرهنگ‌ها و جهانی کردن اعتقادات، فرهنگ مهدوی را با چالش جدی روبه‌رو می‌کند. تمام این ابعاد از منظر درون دینی و اختلاف میان باورمندان به مهدویت است. اما از بعد بیرونی نیز جای این پرسش است که آیا توسعه جهانی فرهنگ‌ها خود و به تنهایی، یک چالش برای فرهنگ مهدویت است و یا یک فرصت مغتنم برای ترویج آن؟ در مقابل این پدیده و روند تحولات جامعه جهانی، موافقان و مخالفان زیادی به نقد نظریات پیرامون آن پرداخته‌اند. (برای نظرات دو گروه، نگاه کنید: میرجعفری، ۱۳۹۵: ۶-۷) در یک چشم انداز کلی می‌توان دو گروه را مشاهده کرد. کسانی که به این پدیده با دیدی مثبت نگریده و بر اساس آن، جهانی شدن را چالشی مثبت برای روند حیات بشر می‌دانند. با توجه به این نگاه، می‌توان تأثیرات جهانی‌سازی در عرصه فرهنگ را این‌گونه بیان کرد که جهانی‌سازی باعث:

انتقال سریع اطلاعات و افکار که موجب اشتراک بیشتر و بالارفتن ضریب نفوذ فرهنگ‌های

۱. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید: حبیب‌الله طاهری، سیمای آفتاب، قم: انتشارات زائر، چاپ اول، ۱۳۸۰: ۲۰۵-۲۰۶؛ صحیفه نور، مجموعه آثار امام خمینی رحمه الله، تهران: سازمان مدارك انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹ ش: ج ۲، ۱۹۶-۱۹۷.

برتر و موفق‌تر،
ارزان شدن و بروز شدن تولید نظریات فکری- فرهنگی از طریق آموزش و اشتراک‌گذاری
داده‌های علمی،
کم شدن هزینه ارتقاء و رشد فرهنگ اجتماعی،
افزایش مشارکت اجتماعی در تقویت فرهنگ و مواجهه با چالش‌های فرهنگی،
گسترش توانایی موسسات و سازمان‌های فرهنگی،
گسترش نظارت فوق دولتی بر حفظ موارث فرهنگی و
گسترش برابری (زن یا مرد؛ پیر یا جوان، دانشجو یا غیردانشجو و...) در انتقال فرهنگ را
فراهم می‌نماید.
در مقابل، انتقاد نسبت به جهانی شدن، چه در حوزه نظر و چه در میدان عمل وجود دارد و
جهانی‌سازی می‌تواند موجب کاستی و تضعیف برخی از فرهنگ‌ها را فراهم نماید. برخورد
محتاطانه در حوزه فرهنگ می‌تواند به این دلایل باشد:
سلطه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی برخی از نظام‌ها هم‌چون نظام سرمایه‌موجب تحت
فشار قرار گرفتن برخی از ارزش‌های دینی و بومی کشورها هم‌چون اسلام و آموزه‌های آن
می‌شود.
جهانی‌سازی موجب افزایش معضلات حقوقی هم‌چون مباحث حقوق بشر و فرهنگ‌های
برخاسته از آن خواهد شد.
جهانی‌سازی موجب بی‌هویت کردن انسان‌ها و حذف ملیت و انتساب دینی آنها را رقم
خواهد زد. (آریاس، ۱۳۸۲: ۱۸۲)
ضعف مدیریت فرهنگی، ضعف سازمان‌دهی کشورهای اسلامی و عقب افتادگی تمدنی آنها،
زمینه تأثیرگذاری بر فرهنگ جهانی را از آنها سلب خواهد کرد.
جهانی‌شدن، تغییر نگرش و تغییر جهان‌بینی نسبت به بسیاری از پدیده‌ها را به همراه دارد
که با توجه ضعف تکنولوژی در کشورهای اسلامی، آنها تنها بعنوان یک قربانی، شاهد تغییر
نظام ارزشی و تزلزل بنیان‌های فکری فرهنگی خود خواهند بود.
جهانی‌سازی نتیجه پیشرفت را در گرو تغییر فرهنگ کشورهای عقب افتاده تبلیغ می‌کند. در
نتیجه جهان را به دو قطب غنی و ضعیف از نظر فرهنگی جلوه خواهد داد. به مرور زمان این
پدیده، موجب تضعیف فرهنگ بسیاری از کشورها و میل اجتماعی جهت تغییر فرهنگ بدون

توجه به نقصان برخی از موارد فرهنگ ادعا شده، را به وجود آورده و راه را برای سلطه فرهنگی هموار می‌کند.

سلطه فرهنگی موجب می‌شود تا مواردی همچون تجمل پرستی و مصرف‌گرایی در جهان رشد کند در نتیجه جوامع قربانی فقیرتر شده و کشورهای غنی به لحاظ تکنولوژی، ثروتمندتر شوند و جوامع قربانی نامیدانه به عنوان مقلد و برده فرهنگی همواره راه نجات خود را در الگوپردازی با وابستگی به کشورهای غنی جست‌وجو می‌کنند نه در توجه به توانمندی‌های اجتماعی خود. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

فقر دین انسان را ناقص و عقل و اندیشه او را مشوش، و مردم را نسبت به او، و او را نسبت به مردم بدبین می‌سازد. (نهج البلاغه، حکمت ۳۱۹)

با این همه نسبت به این رویکرد و در مقام تحقق و تحلیل بنیادین، نقد تاریخی وجود دارد. هم از جهت برداشت و نحوه تفکر رهبران بزرگ تاریخ اسلام و هم از جهت کنش‌های تاریخی. خصوصاً در اعتقادات امامیه، مهدویت به عنوان پدیده‌ای الهی و جهانی مطرح شده است. از این رو در دو مقام استدلال این گروه با خدشه جدی روبه‌رو است.

این رویکرد باعث انفعال جوامع اسلامی می‌شود در حالی که جریان‌های اجتماعی هم‌چون انقلاب اسلامی ایران یا جریان پان‌اسلامیست (اتحاد مسلمانان) ... با هدایت و رهبری اسلام‌شناسانی هم‌چون: امام خمینی و سیدجمال اسدآبادی (مطهری، ۱۳۸۷: ۲۰-۲۹) نشان داده که با توجه به غنای فرهنگی جامعه و پشتوانه تاریخی و جغرافیایی اسلامی، لزومی برای اتخاذ این رویکرد منفعلانه نیست.

هرجا مسلمانان منفعل برخورد کرده‌اند موجبات سلطه و نفوذ دیگران را فراهم کرده‌اند از نمونه‌های تاریخی می‌توان به جنگ‌های صلیبی (۱۰۹۵م-۱۲۹۱م) اشاره کرد که در طی دو قرن جهان اسلام را در بدترین وضعیت تاریخی خود قرار داد. (دانش‌نامه جهان اسلام، ۱۳۹۳: ج ۱۱، ۷۵۷۰)

چالش‌های فرهنگ مهدوی

۱۰۵

باتوجه به نوع جوامع می‌توان چالش‌های مختلفی را برشمرد. اما در این مجال به نگاه کل‌نگر تلاش شده تا مهمترین و کلان‌ترین چالش‌های فرهنگ طرح شود تا بتوان در آینده و بر اساس کلیت این چالش‌ها، راهبرد و سیاست‌گذاری مناسب را جهت ایجاد انگیزه و انگیزش

اجتماعی و حرکت در مسیر فرهنگ مهدوی انجام داد. به تبع و باتوجه به کلیت این چالش‌ها تمام جوامع خرد، کلان و جامعه جهانی تحت تأثیر مدیریت این چالش‌ها قرار خواهند گرفت.

نبود مرام‌نامه و منشور مؤلفه‌ها و شاخص‌های فرهنگ مهدوی

با آن‌که تفکر مهدویت سابقه تاریخی طولانی دارد اما به خلاف سایر مقوله‌ها هم‌چون طرح مدینه فاضله؛ هنوز هیچ سندی توسط اندیشوران فرهنگی این حوزه تدوین نشده تا در دسترس جامعه (علمی و غیرعلمی) قرارگیرد تا همه ابعاد، مؤلفه‌ها، اجزاء، عناصر، شاخص‌ها و اهداف فرهنگ مهدوی در آن به طور نظری- عملیاتی و یک جا تدوین شده باشد، تا فعالان این بخش بتوانند براساس آن برنامه‌ریزی نماید. بدیهی است موضوعی که ابعاد و حدود و ثغور آن برای برنامه‌ریزی مشخص نباشد، نمی‌تواند قابل برنامه‌ریزی صحیح باشد.

ظرفیت‌سنجی و نیازسنجی واقعی با توجه به اولویت‌ها

فرهنگ و ارزش‌ها، درون‌مایه‌ای از قدرت اجتماعی هستند که بر احساس کرامت، حرمت و رضایت‌مندی جامعه استوار هستند. حس رضایت‌مندی اجتماعی موجب حرکت و علاقه جامعه و به طبع انگیزش او جهت گسترش و تحقق یک فرهنگ است. این مرحله را شاید بتوان یکی از اجزاء امر به معروف دانست که در آن بر ضرورت توجه به تأثیر داشتن فعل تأکید شده است به نحوی که اگر احتمال عقلایی نباشد که امر به معروف اثر دارد، وجوب آن ساقط می‌شود. (صانعی، ۱۳۹۵: ۲۸۱-۲۸۲) قطعاً بدون توجه به ظرفیت پذیرش اجتماعی و عدم توجه به اولویت‌بندی‌ها گرایش و رغبت در حوزه اجتماعی نسبت به آموزه‌های مهدوی و ظرفیت‌های پذیرش اجتماعی فرهنگ مهدوی، تحقق آن با مشکلات جدی روبه‌رو خواهد شد. باتوجه به جهانی بودن حکومت امام، قرآن کریم یکی از بهترین شیوه‌های مواجهه با این چالش را در آیه ۸۳ سوره بقره بیان فرموده است. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان ضمن پرداختن به این آیه در ارتباط با «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (بامردم به زبان خوش سخن بگویید) آورده است که این آیه کنایه: از حسن معاشرت با مردم است، مؤمن باشند یا کافر. (طباطبائی، ۱۳۸۲: ج ۱، ۲۱۹) تحقق حسن معاشرت میان اندیشه مهدویت و سایر اندیشه‌های اجتماعی به نهادینه شدن این احساس و مسئولیت همگانی در قبال آن جایگاهی ممتاز خواهد داد و به رشد و توسعه فرهنگ مهدوی نسبت به سایر فرهنگ‌ها کمک خواهد کرد. همان‌گونه که وجود باورداشت مهدویت در بسیاری از ادیان به عنوان یکی از وجوه مشترک همگرایی بین‌الادیانی، زمینه و

بستر مساعدی برای رابطه حسن ایجاد کرده است.

عدم برنامه^۱ جهت تجمیع تمام توانمندی‌ها

اگر همه سرمایه‌ها انسانی و اعتبارات مالی فرهنگی را در یک جا تصور کنیم، به این نتیجه خواهیم رسید که سرمایه در خور توجه‌ای برای فرهنگ مهدوی وجود دارد. در نبود یک نظام برنامه‌ریزی جامع و مدیریت واحد، بسیاری از تلاش‌ها در این زمینه در طول تاریخ کم‌ثمر گردیده و فاقد کارایی و اثربخشی مناسب گشته‌اند. وضعیت فرهنگی امروز جوامع دینی خود بیانگر این واقعیت است. لذا با وجود امکانات و منابع بسیار زیاد در حوزه فرهنگ، بهره‌برداری مناسب و کارآمد از این سرمایه ارزشمند انسانی و مادی صورت نگرفته است. عسکریان به نقل از فیلیپ کومز در کتاب *بحران جهانی تعلیم و تربیت*، ریشه اصلی مشکلات فرهنگی را در مدیریت^۲ می‌داند. (عسکریان، ۱۳۸۸: ۶۵) یکی از راه‌های برون رفت و اصلاح این وضعیت، کاربست مدیریت مشارکتی است. منظور از مشارکت، کلیه اقداماتی است که میزان نفوذ و مسئولیت جامعه را در فرآیند توانمندسازی افزایش می‌دهد و هدف این است تا از طریق دخالت دادن افراد صاحب نظر در فرآیند تصمیم‌گیری از میزان تنش‌ها و تعارضات کاسته شده (زاهدی، ۱۳۶۹: ۴۷) و موجبات افزایش کمی و کیفی در بهره‌وری فرهنگی محقق شود. (الوانی، ۱۳۷۲: ۷۸)

چالش در کارآمدی فرهنگ مهدوی

یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در حوزه اجرایی احیاء و ساخت تمدنی مبتنی بر فرهنگ شیعی-امامی است که بتواند در عرصه عملی و اجرایی، در برابر کسانی که انتظار فرج را مانع اصلاح جامعه ورشد می‌دانند قد علم نماید. (الویری، ۱۳۹۲: ۲۰-۲۴) چالش کارآمدی بعد اجرایی و بیرونی تمدن دینی است و در دهه‌های اخیر که اندیشمندان (مسلمان و غیرمسلمان) به بررسی علل و عوامل انحطاط تمدن اسلامی پرداخته‌اند، آن را مطرح کرده‌اند. از نظر شهید مطهری در میان افکار و معتقدات اسلامی، عمدتاً ۵ عقیده در این زمینه مورد اتهام واقع شده‌اند که یکی از آنها اعتقاد به انتظار فرج است. شهید مطهری این مورد را بدین گونه توضیح می‌دهد:

آن‌چه که شیعه به خصوص در افکارش متهم می‌شود، یکی تقیه و دیگر انتظار فرج است. در باب انتظار فرج گفته می‌شود که این فکر و این عقیده، نیت هر اصلاحی را از شیعه گرفته و در حالی که سایر ملل و اقوام در فکر اصلاح کار خودند، مردم شیعه منتظرند «دستی

1. Plaming
2. Management

از غیب برون آید و کاری بکند». (مطهری، ۱۳۹۴: ۱۵)^۱

دلیل بروز چنین چالشی سرخوردگی و سردرگمی مسلمانان در تصویری است که تمدن امروز جهانی، بر پایه تساوی حقوق انسان (زن و مرد) به وجود آورده و عدم توانایی ملل اسلامی در تداوم فرهنگ و تمدنی است که قرن‌ها به عنوان تمدن برتر جهانی مطرح بوده است. (دهقانی، ۱۳۹۷: ۶۵)

ضعف در همگرایی و هم‌افزایی اجتماعی

توسعه جامعه جهانی به معنای تکوین و تحکیم اجتماعی جامعه‌ای جهانی که هویت بخش و بنیاد اصلی مشارکت فرهنگی آنان را توسعه متوازن و پایدار را تشکیل می‌دهد، هنوز آن‌طور که باید مورد نظر اندیشمندان و به تبع آن مورد توجه مسئولان و برنامه‌ریزان فرهنگی قرار نگرفته است. با توجه به بافت فرهنگی این جوامع، عدم توجه به نیروی انسانی متخصص و مود نیاز در این حوزه قطعاً برنامه‌های توسعه فرهنگی را ناکارآمد می‌نماید. بدون توجه به نیروی انسانی که فعالیت‌های تولید و توزیع وساماندهی محصولات فرهنگی و هنری را به منصف ظهور رساند، انجام شدن اهداف توسعه را با مشکل مواجه کرده و نتیجه آن جز تشتت اجتماعی و از دست رفتن یا کند شدن پذیرش آموزه‌های مهدوی را به دنبال خواهد داشت. هر تغییری که اجرای آرمان‌های فرهنگی را با مشکل مواجه سازد، چالش‌گری فرهنگی را شروع می‌کند. از این رو برخی از فعالان این عرصه تلاش کرده‌اند تا با استخدام متخصصان و برگزاری همایش‌ها و جلسات بین ادیانی و همگرایی‌های مشترک - همانند همایش دکترین مهدویت - تا حدودی به برطرف شدن این چالش کمک نمایند.

وجود اختلافات ماهوی در مباحث مهدوی

قدمت تاریخی حضور اندیشه منجی باوری در میان ادیان و نحله‌های مختلف و برداشت‌های متفاوت و متنوع این گروه‌ها از چنین آموزه‌ای منجر به رسوخ روحیات و هویت متفاوت در طرفداران این گروه‌ها و اختلاف در جهان‌بینی آنها می‌شود. برآیند چنین صورت و نابرابری در سطوح کلان اجتماعی، اجرای آرمان‌های فرهنگی را با مشکل مواجه سازد. در

۱. از مهم‌ترین مخالفان کارآمدی این اعتقاد: رشید رضا صاحب تفسیر معروف المنار (رشید رضا، ۱۹۹۰م: ج ۹، ۴۱۶ - ۴۱۷)، احمد امین مصری (احمد امین، ۲۰۱۲م: ۶۱-۷)، اقبال لاهوری (لاهوری، ۱۳۶۸: ۱۶۴) و

صورت عدم توجه به این امر مهم، تشدید احساسات و عواطف این گروه‌ها را در پی خواهد داشت. به تبع، همبستگی اجتماعی میان منجی باوران به شدت تضعیف گشته و فضای دوستی، صمیمیت و همدلی که لازم مواجه با چالش‌های فرهنگی-اجتماعی است با اختلال روبه‌رو خواهد شد. از این رو لازم است برای دور ماندن از این آفت مهم، درگام نخست بر مشترکات منجی باوری اصرار و درگام دوم به هم‌زیستی بین ادیانی و رفع اختلافات اعتقادی تکیه گردد تا تشخیص و گزینش بهترین باورداشت مهدویت توسط خود جامعه صورت پذیرد.

فقر

فقر عنوان عامی است که می‌توان آنرا در حوزه فرهنگ و در حوزه اقتصاد و سایر حوزه‌ها مطرح کرد. اما به طور قطع فقر اقتصادی بیشترین و تأثیرگذارترین پدیده در بروز سایر بحران‌های اجتماعی است. علی‌علیه خطاب به محمد بن حنفیه فرمود:

فرزندم! از فقر بر تو می‌ترسم، از آن به خدا پناه ببر! زیرا فقر دین انسان را ناقص و عقل و اندیشه او را مشوش، و مردم را نسبت به او، و او را نسبت به مردم بدبین می‌سازد. (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۱۹)

این بیان حضرت امیر برخواسته از تعالیم قرآنی است که شیعیان را به پیامدهای ناگوار فقر توجه داده است. پیامدهای بسیار مخربی که به ناامیدی فرد و جامعه منتهی می‌شود. امید بال پرواز فرد به سوی ترقی، بالندگی و شکوفایی فرهنگی است و فقر و درماندگی، زمینه‌ساز یأس و نومیدی از خدا و پناهنده شدن به فرهنگ غیر او است. خداوند در آیه ۱۶ سوره فجر، یکی از آثار فقر و تهیدستی را تغییر فضای ذهن بشر از مسیر درست معرفی کرده و فقر و تهیدستی را زمینه‌ساز بدگمانی به خداوند و لب‌گشودن به اعتراض و گلایه نسبت به او برشمرده است. چنان‌چه اصول فکر و اعتقادات یک جامعه و جهان‌بینی آن با چالش جدی ناامیدی مواجه شود؛ جامعه سایر آموزه‌ها را نیز عقب زده و در باورپذیری و به تبع فرهنگ‌سازی دینی، فعالیت و حضور جدی نخواهد داشت و فقر فرهنگ دینی را رقم خواهد زد.

زمان

بزرگ‌ترین چالش امروزی فرهنگ مهدوی، چالش زمان است. رشد سریع بسیاری از پدیده‌های فرهنگی، توسعه تمدن جهانی که بر مبنای نگاه جدید به انسان و آزادی حق انتخاب او در حال رخ دادن است، عقب افتادن شیعه امامی در دستیابی به حکومت و فاصله مضاعف در ایجاد زمینه مناسب جهت ترویج فرهنگ مهدویت از یک سو و از سوی دیگر تغییر

در بافت جامعه جهانی یعنی حرکت جوامع خرد و کلان جهت ایجاد جامعه جهانی موجب شده تا فعالان فرهنگ مهدوی را در تنگنا و فشار مضاعف قرار گیرند و و تولد ایده و تولید محتوای مناسب با این تغییرات سریع و غلبه بر کمبود ابزارها و سرمایه‌های فرهنگی؛ جامعه محدود مهدوی را با چالش جدی روبه‌رو کرده است. زمان اندک و هدف بزرگ نیازمند همتی بزرگ است.

نتیجه‌گیری

امیدبخشی به جوامع دینی، بالابردن سطح انگیزه، آرمان‌سازی و حفظ هویت دینی از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های فرهنگ مهدوی است. تحقق این ظرفیت‌ها در عرصه اجتماعی بدون توجه به مشکلات و چالش‌های فرهنگی-اجتماعی ناشدنی است. این بحث از آن جهت ضرورت دارد که نگاه آینده‌نگر در حوزه مهدویت پژوهی نه تنها به حفظ و گسترش وحدت عقیده مبتنی منجر می‌شود بلکه موجبات انگیزش اجتماعی جهت زمینه‌سازی و رسیدن به تمدن نوین اسلامی را فراهم می‌نماید.

تکیه‌گاه و ظرف تحقق فرهنگ، جامعه است و این فرهنگ است که افراد جامعه را به یکدیگر پیوند داده و آنها را جهت حفظ هویت خود در برابر ناملازمات مصمم می‌نماید. تاریخ به ما نشان می‌دهد که جوامع در طول زمان از بدویت به جوامع خرد، کلان تبدیل شده و به همین نسبت فرهنگ‌های خود را شکل داده‌اند. با توجه به دوره جدید و تلاش جهت تحقق جامعه جهانی، فعالان عرصه مهدویت با چالش‌های جدی و نامتوازی در این عرصه مانند طولانی شدن غیبت، ظهور مدعیان جدید، تفاسیر گوناگون و... روبه‌رو هستند که راه‌حل‌های متفاوتی را هم می‌طلبد. اما برای جامعه غیر متخصص و توده‌های اجتماعی که فرهنگ ماده ایجاد وحدت آنها است باید به چالش‌های ویژه این بخش توجه کرد. نبود مرام‌نامه و شاخصه‌های فرهنگ مهدویت، ضعف در ظرفیت‌سنجی و نیازسنجی اجتماعی، ضعف در تجمیع توانمندی‌ها، چالش کارآمدی، ضعف در بعد هم‌افزایی، اختلافات ماهوی، فقر اقتصادی و سرعت در تحولات امروز جامعه جهانی، مهم‌ترین چالش‌های جامعه شناختی فرهنگ مهدویت هستند. تقویت یا ضعف هر یک از این موارد موجب جهت‌دار شدن جامعه و هدف‌گذاری آنها در مواجهه با تحولات آینده جامعه جهانی خواهد بود.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

- آریاس، اسکار، چالش اخلاقی جهانی شدن اصول توسعه انسانی، مجله اندیشه حوزه، شماره ۴۰، ۱۳۸۲.

- احمد امین، ابراهیم الطباخ، المهدی والمهدویه، مؤسسه هنداوی، مصر، ۲۰۱۲ م.

- ذوعلم، علی، تاملی در مفهوم چالش، ماه نامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر، سال چهارم، شماره ۳۶، شهریور ۱۳۸۴.

- رشیدرضا، محمد بن علی، تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۹۰ م.

- زاهدی، شمس السادات، روابط صنعتی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹ ش.

- زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۷ ق.

- سجادی، سیدجعفر، مصطلحات فلسفی صدرالدین شیرازی، تهران، نهضت زنان مسلمان، بی تا.

- سراج زاده، حسین، مقایسه تجربی سنجه های دینداری: دلالت های روش شناسانه کاربرد سه سنجه در یک جمعیت، جامعه شناسی ایران، سال هشتم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۶ ش.

- شریعتی، فهیمه، ذهن و تأثیرات بی واسطه آن از نظر ملاصدرا، بی جا، بی تا، ۱۳۹۲ ش.

- شیرازی، صدرالدین، مفاتیح الغیب، تهران، مؤسسه تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳ ش.

- صانعی، یوسف، امریه معروف و نهی از منکر، بی جا، فقه الثقلین، ۱۳۹۵ ش.

- طاهری، حبیب الله، سیمای آفتاب، قم، انتشارات زائر، اول، ۱۳۸۰ ش.

- عسکریان، مصطفی، سازمان و مدیریت، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۳ ش.

- قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.

- لاهوری، اقبال، بازسازی اندیشه دینی در اسلام، ترجمه: محمد بقائی (ماکان)، بی جا، بی تا، پائیز ۱۳۶۸ ش.

- مطهری، مرتضی، انسان و سرنوشت، تهران، صدرا، چهل و هفتم، ۱۳۹۴.

- _____، بررسی اجمالی نهضت های اسلامی در صد ساله اخیر، ۱۳۸۷ ش.

- معینی، جهانگیر، نظریه و فرهنگ، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات بین المللی، ۱۳۷۴ ش.

- مقدسی، محمد بن أحمد، *أحسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم*، ترجمه علینقی منزوی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، اول، ۱۳۶۱ ش.
- موسوی خمینی، سید روح الله، *صحیفه نور*، تهران، سازمان مدارك انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹ ش.
- میرجعفری، زاهره، زن، مهدویت، فرصت‌ها و تهدیدهای جهانی سازی، سومین کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۵ ش.
- الوانی، سیدمهدی و دیگران، *مباحث ویژه در مدیریت دولتی*، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۹۲ ش.
- الویری، محسن، اندیشه مهدویت و تمدن نوین اسلامی، *انتظار موعود*، ش ۴۲، ۱۳۹۲ ش.
- هینس، جف، *دین جهانی شدن*، ترجمه، داوود کیانی، تهران، پژوهشکده مطالعات کاربردی، ۱۳۸۱ ش.